

احکام دادگاه‌ها می‌انقلاب

ازصفحه ۱

شاه مخلوع بدادگاه اسلامی ایران احضار شد

وزارت امور خارجه
وزیر رضا پهلوی
چون محمد رضا پهلوی
جون محاکمه علی شما در
دادگاه انقلاب اسلامی ایران
اکنون در آمریکاست به اتهام
بایتمام دستور کشان مردم بیگانه
کشان هزاران تن از فرزندان
بی‌گاه و برومده اسلام و ایران
و شکنجه و حبس آنان و حیف و
میلیت‌المال و سله جود و
ایادی و ایجاد حکومت ضد
مردمی و خفغان و مسلط کرد
ایادی سپاه‌داش و سالها
کشور خواهد شد این ملت
ایران و صدھا اسهام دیگر نشکل
کردن بیگانگان استعمالگر و
جیاولکران بین‌المللی برخان و
مال ملت ایران و صدها اتهامات
دیگر تحت تعقیب دادستانی
انقلاب اسلامی و بروندۀ اش در
دست رسیدگی می‌باشد لذا
معفوی است از طرف دادستانی
جمهوری اسلامی ایران در آمریکا
به نایبرده اخطار گردد که
سریعاً خود را به دادرسی
انقلاب اسلامی تهران معزی
نماید.

۱۲ محکوم دادگاه انقلاب اسلامی سیر جان غفو و آزاد شدند

۶، ۵ سال حبس محکوم شده
بودند در بررسی ثانی قضیه
تائید حکم دادگاه ساقی به
سیر جان حجت‌الاسلام هاشمیان
حق‌سنجانی در آن شرایط خاص
محکوم شده بودند، مشمول عفو
قرار گرفتند و آزاد شدند. ۹ نفر
دیگر آزاد شدگان دادگاه ایران
قرارند:

محمدعلی افضلی - حسین
عربی مکی آبادی تاج‌علی رضا
قلی پور شاهالله‌پور خجر
 Raspiro آذرن غرب‌خیضه
قلی پور اکبر‌سیاد پور‌گرامت
پور شاه‌نظری و حمید خالص عبید
که مدت مکویت آنها حداکثر
۲ سال و کمتر بود.

تعدادی از آزاد شدگان به
شکرانه عفو و آزادی چکی به
ملغ ۴۰۰۰ ریال جهت
کمک به مستضعان سیر جان
پور مهدی آبادی که به ترتیب به
خدمت از آزاد شدگان

برنامه بازگشت حاجج ایرانی

تهران - هواپیمایی ملی ایران (هم) برنامه پروازهای بازگشت زائران
بیت‌الله‌حرام را از جده تهران و تبریز در روز یکشنبه ۲۵ آبان‌ماه جاری
پوشید. زیرا اعلام کرد.

ساعت ورود	طرفیت	مسیر	شهر پرواز	شماره پرواز
۷/۲۰	بامداد	۱۲۶	جده - تهران	۱۲۶
۱۰/۴۵	نفر	۱۶۱	جده - تهران	۱۷۸
۱۲/۳۰	نفر	۱۶۱	جده - تهران	۱۸۰
۱۶/۴۵	نفر	۱۶۱	جده - تهران	۱۸۲
۱۹/۳۰	نفر	۱۶۱	جده - تهران	۱۸۴
۲۲/۴۵	نفر	۱۶۱	جده - تهران	۱۸۶
۱/۳۰	نفر	۱۶۱	جده - تهران	۱۸۸
۲۱۵۰	نفر	۱۶۱	جده - تهران	۱۹۰
آبان	بامداد	۱۶۱	جده - تهران	
۴/۴۵	نفر	۱۶۱	جده - تهران	
روز دوشنبه	آبان	۱۶۱	جده - تهران	
۲۱	نفر	۱۶۱	جده - تهران	
۹/۱۵	بامداد	۱۶۰	جده - تبریز	۵۴۰
۱۵/۱۵	نفر	۱۶۰	جده - تبریز	۵۴۲
۲۱/۱۵	نفر	۱۶۰	جده - تبریز	۵۴۴
۳/۱۵	نفر	۱۶۰	جده - تبریز	۵۴۶
روز دوشنبه	آبان	۱۶۰	جده - تبریز	

مقررات جدید گذرنامه

قطه از طریق آسانی‌های مسافری
صورت میدارد.

۳ - کلیه مسافرین اعلامیه خروج
را که از آسانی‌ها دریافت می‌دارند
بدقت بر نموده و بخصوص شماره
تلف خود و یا نزدیکان خود را مقرر
نمایند.

۴ - شرکت‌های هواپیمایی و
آسانی‌ها از دریافت گذرنامه‌های که
فائد اعتماد و اجاره خروج و پرداخت
عوارض خروج هستند خودداری
نمایند.

۵ - مسافری که در موعد مقرر
تواسته‌اند از مرز خارج شوند گذرنامه
ظرف یک‌پنهانی چیزی را در میانه
هزار داده و پس از تحويل گذرنامه به
عوادت داده خواهد شد.

۶ - دریافت گذرنامه در فروگاه

دیدار هیئت دولت سابق با امام خمینی

بنی صدر: به فعل سازی
سفارتخانه‌های ایران در خارج
خواهیم پرداخت

به فعل سازی سفارتخانه‌های
ایام خمینی نظرات و راهنمایی
و آنگاه بدیگر مسائل رسیدگی
خواهیم کرد. درگفتگویی دیگر
حجت‌الاسلام خانمای معاون
وزارت دفاع به خبرنگار مارکافت
آنچه کمندان اطلاع دارم آقای
دکتر خوداده شاهزاده از افغانستان
وزیر اسلامی ایران در قم رسیدند.
در این ملاقات آقایان: اسلامی ایران و وزیر دفاع
مهند منی فر وزیر نفت

فرمانده هنگ ژاندارمری ایلام: تمام راههای استان ایلام کنترل می‌شود

شام اتوسلیه به شما اخطار
می‌گردد به حضور روئیت این
اخطریه خود را به دادگاه
انقلاب اسلامی ایران در تهران
معرفی نمائید.

همچنین از طرف دادستانی
کل انقلاب اطلاع‌یابی پیش
زیر به وزارت امور خارجه ارسال
شده است:

پیام عرفات به امام

تام اتوسلیه پارس - منظور
کرمانه است - که ساعت ۲ بعد از جاده
به گردنه للاج و پیش ایوان میرسد
در باسگاه‌های استظامی این ۲۰ مقطعه
موقوف خواهد شد و می‌بیند
کنترل می‌کنند سوادیکی عباسی
ساعت تمام اتوسلیه‌ای متوقف شده
فرمانده گروهان زاندارمی ایلام در
بعدی افراد راهنمایی سا پاسگاه‌های
از حمله احتمالی راهنمایان در اهان
پاشد.

فرمانده گروهان زاندارمی ایلام
از قزوین در شورای تامین ایمان تضمیم
گردید - بدرا - در شهر ارکار
ملک‌ناهی - طلاح آباد کیمی‌کشی
اعزام شده است تا اهان تواند
یامبول کسر ایلام صعن ایلام دست برد پسند و
ترنیمی اتخاذ شده که بمحوب آن

ایلام - خبرگزاری پارس -

تهران از اطهارهای پیش ایلام

آزادی بخش فلسطین برای ایلام

تهران حرکت کرد.

ایلام ابوالیبد فرماده عملیات

تلگراف استاندار بوشهر به امام

مردم دریشور استان بوشهر
جانب رک به پاسداری مشغولند
و تجاوز هر دشمنی را در رنده
عقم خواهند کرد همچنان
در یک محدوده کنترل سوادیکی عباسی
قدرت به نایابی کشانند و
اویشه شکست‌نایابی این کشور
را به پادها سریند هم اکنون
نیز همه‌جان برک بوده و
می‌گوییم کوش به فرمان توئیم -

در این تکرار ضم اطمینان -

خاطر به امام در پاسداری از
مرز و بوم مملکت اضافه شده

زمانی که این اتفاق شده است

در سال جاری

۵۱ روزتا در گیلان صاحب برق شدند

رشت - خبرگزاری پارس -

بیشتری دارند بر قدر داده اند

را می‌گردند این مطلب

نودمیلیون نومنه بیشتر

بینی شده است و سراسر ایلام

برنامه‌های تنشی‌گذاری اینستگار

روستاهایکه بصورت محتشم

هستند در طرف ۷ سال ایندو

تماماً از سر سراسر استفاده

خواهند کرد.

و این افکار را در حال حاضر

متجاوز از دوهزار روزتا در

منطقه گیلان و چند دارند

تعداد شناس ۴۰۰ روزتا

به شکه برق سراسر یکی از نعمت

در این زمانه صورت گرفت

مرسوط به روزتاها بود.

مدیر عامل شرکت برق

منطقه گیلان در این ده

فعالیت‌های برق‌سازی خود

بیشترین لوت را به روزتاها

داد ۹۰٪ از فعالیت‌های

در این زمانه صورت گرفت

رشت - خبرگزاری پارس -

از اول سال جاری تاکنون

۵۱ روزتا در ایلام گیلان

صاحب برق شده اند و طبق

را مهندس مرتفعی نمی‌میر

عامل برق منطقه‌ای گیلان طی

یک گفتگوی اختصاصی با خبرنگار

خبرگزاری پارس در رشت اعلام

کرد مدد می‌کند و در میان این

کلند از زمینه تا میان سر قدر

سراسر استان گیلان گفت بعداز

پیروزی ایلام شرکت برق

منطقه گیلان در این ده

فعالیت‌های برق‌سازی خود

بیشترین لوت را به روزتاها

داد ۹۰٪ از فعالیت‌های

در این زمانه صورت گرفت

رشت - خبرگزاری پارس -

از این زمانه صورت گرفت

رشت - خبرگزاری پارس -

از این زمانه صورت گرفت

رشت - خبرگزاری پارس -

از این زمانه صورت گرفت

رشت - خبرگزاری پارس -

از این زمانه صورت گرفت

رشت - خبرگزاری پارس -

از این زمانه صورت گرفت

رشت - خبرگزاری پارس -

از این زمانه صورت گرفت

رشت - خبرگزاری پارس -

از این زمانه صورت گرفت

رشت - خبرگزاری پارس -

از این زمانه صورت گرفت

رشت - خبرگزاری پارس -

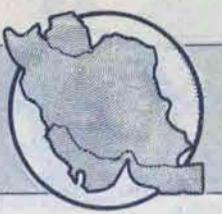
از این زمانه صورت گرفت

رشت - خبرگزاری پارس -

از این زمانه صورت گرفت

رشت - خبرگزاری پارس -

</div



پیاده کردن و نیرو پیاده کردن بتواند کشورها را اغفال بکند. آنها امتحان کردن، در وسیله دیدن و توصیه هم خودند. ملت ایران همه از ملت آمریکا میخواهم یاد نمایند که اشتباه بگذند. ملت اسلام ایران همه از ملت آمریکا میخواهم که به دولت خودشان رسماً "اعتراف بگذند" که این جنگ ایست برای گذشتگران خانشی که مجاور از ۵۰۰۰ نفر را کشته است، شکمده داده است، شوتها را به بازار برده است. برای یک غیرآمریکا را در دنیا میبرد، این چه دولتی است چرا دولتها به هوش نیستند. ما از ملت آمریکا میخواهم که به دولت خود اعتراف بگذند.

خطبه: دوم:
امور غریب دید غیر است. پیامبر اکرم وقتی به غدر خرم رسیدند در آنها دست گرفتند و فرمودند:

ما بخت اینکه علی امام اول است چهارم میخواهیم بگیم.

ما بالآخره همه سلمانیان و سلسله شعبه و سنتی طبق نیست. آن چیز که برای ما میم است اینکه دستورات اسلام را عمل نمیشیم. دستورات اسلام را از کجا بدانیم، از قرآن وست. آیا سنت پیامبر اکرم را منت پیغمبر واقعه بگذارد یا دیگر. حدیثی را که بعصر اکرم نهل کردند که فرمود: من بنی شما دوچیز نیعنی میگذارم، اگر چنانچه با این و تنسک چویه، که کوه اینست. عذر نسبت به عنتر قطعه دوست- داشتن عذر است با نه میگذارم که کاب نمک از عذر هم تکمیل میگوید به عنتر هم تکمیل میگوید. از پای اینکه میگذارم آیا طبق این حدیث میگذارم. در دستورات اسلام را هم سلسله دستورات اسلام و کتاب صادق و امام باقر، آنها به دستورات اسلام واقعه بگذارد با مثل مخصوصه و شفافی و ... البته همه علم، محترم، اما امام صادق از عنتر پیامبر است.

و از شرای اقلاب هم میخواهیم که بمانداره، قدر خودش اقلابی کار کند. گارهایی که وسیله پیشرفتگر است، سلطه کنواری و دادهای را بینتر بودند. این اینست که فرار بدهند و از جمله پیشنهادها که دارم این است که از هر طرف دور از اقلاب بکشد. مکری معین شود برای اینکه اینها که اهل اینستند، طرحها و ابتکانها را به آن که تخلیه بدهند و شورا بدان رسیدگی کنند و از آنها استفاده بشود.

از رادیو و تلویزیون تقاضا میگذارم. نکند کارهایی که بدانوری باشد. و خدایی- این همه اسلامی داریم. نکند کارهایی که بدانوری باشد. و خدایی-

تکرکه از اقلاب اصلی است. اینها به دستورات اسلام واقعه بگذارد. برای

اینکه نقش سازنده را دارد. از شرای اقلاب هم میگذارم که قیاده آنرا اسلامی نند. این همه اسلامی داریم. نکند کارهایی که بدانوری باشد. و خدایی- تکرکه از اقلاب اصلی است. اینها به دستورات اسلام واقعه بگذارد. همه اینها که در گذشتگران را بمانند. معاذنات را میبرند و معاذن دلیل

مشتکدند. از میلاری مسلمان را میلاری میگذارند. معاذن بیشتر

از آنها میگذارند. اینها همچویه باشند. و معاذن بیشتر

از آنها میگذارند. اینها همچویه باشند. و معاذن بیشتر

از آنها میگذارند. اینها همچویه باشند. و معاذن بیشتر

از آنها میگذارند. اینها همچویه باشند. و معاذن بیشتر

از آنها میگذارند. اینها همچویه باشند. و معاذن بیشتر

از آنها میگذارند. اینها همچویه باشند. و معاذن بیشتر

از آنها میگذارند. اینها همچویه باشند. و معاذن بیشتر

از آنها میگذارند. اینها همچویه باشند. و معاذن بیشتر

از آنها میگذارند. اینها همچویه باشند. و معاذن بیشتر

از آنها میگذارند. اینها همچویه باشند. و معاذن بیشتر

از آنها میگذارند. اینها همچویه باشند. و معاذن بیشتر

از آنها میگذارند. اینها همچویه باشند. و معاذن بیشتر

از آنها میگذارند. اینها همچویه باشند. و معاذن بیشتر

از آنها میگذارند. اینها همچویه باشند. و معاذن بیشتر

از آنها میگذارند. اینها همچویه باشند. و معاذن بیشتر

از آنها میگذارند. اینها همچویه باشند. و معاذن بیشتر

از آنها میگذارند. اینها همچویه باشند. و معاذن بیشتر

از آنها میگذارند. اینها همچویه باشند. و معاذن بیشتر

از آنها میگذارند. اینها همچویه باشند. و معاذن بیشتر

از آنها میگذارند. اینها همچویه باشند. و معاذن بیشتر

از آنها میگذارند. اینها همچویه باشند. و معاذن بیشتر

از آنها میگذارند. اینها همچویه باشند. و معاذن بیشتر

از آنها میگذارند. اینها همچویه باشند. و معاذن بیشتر

از آنها میگذارند. اینها همچویه باشند. و معاذن بیشتر

از آنها میگذارند. اینها همچویه باشند. و معاذن بیشتر

از آنها میگذارند. اینها همچویه باشند. و معاذن بیشتر

از آنها میگذارند. اینها همچویه باشند. و معاذن بیشتر

از آنها میگذارند. اینها همچویه باشند. و معاذن بیشتر

از آنها میگذارند. اینها همچویه باشند. و معاذن بیشتر

از آنها میگذارند. اینها همچویه باشند. و معاذن بیشتر

از آنها میگذارند. اینها همچویه باشند. و معاذن بیشتر

از آنها میگذارند. اینها همچویه باشند. و معاذن بیشتر

از آنها میگذارند. اینها همچویه باشند. و معاذن بیشتر

از آنها میگذارند. اینها همچویه باشند. و معاذن بیشتر

از آنها میگذارند. اینها همچویه باشند. و معاذن بیشتر

از آنها میگذارند. اینها همچویه باشند. و معاذن بیشتر

از آنها میگذارند. اینها همچویه باشند. و معاذن بیشتر

از آنها میگذارند. اینها همچویه باشند. و معاذن بیشتر

از آنها میگذارند. اینها همچویه باشند. و معاذن بیشتر

از آنها میگذارند. اینها همچویه باشند. و معاذن بیشتر

از آنها میگذارند. اینها همچویه باشند. و معاذن بیشتر

از آنها میگذارند. اینها همچویه باشند. و معاذن بیشتر

از آنها میگذارند. اینها همچویه باشند. و معاذن بیشتر

از آنها میگذارند. اینها همچویه باشند. و معاذن بیشتر

از آنها میگذارند. اینها همچویه باشند. و معاذن بیشتر

از آنها میگذارند. اینها همچویه باشند. و معاذن بیشتر

از آنها میگذارند. اینها همچویه باشند. و معاذن بیشتر

از آنها میگذارند. اینها همچویه باشند. و معاذن بیشتر

از آنها میگذارند. اینها همچویه باشند. و معاذن بیشتر

از آنها میگذارند. اینها همچویه باشند. و معاذن بیشتر

از آنها میگذارند. اینها همچویه باشند. و معاذن بیشتر

از آنها میگذارند. اینها همچویه باشند. و معاذن بیشتر

از آنها میگذارند. اینها همچویه باشند. و معاذن بیشتر

از آنها میگذارند. اینها همچویه باشند. و معاذن بیشتر

از آنها میگذارند. اینها همچویه باشند. و معاذن بیشتر

از آنها میگذارند. اینها همچویه باشند. و معاذن بیشتر

از آنها میگذارند. اینها همچویه باشند. و معاذن بیشتر

از آنها میگذارند. اینها همچویه باشند. و معاذن بیشتر

از آنها میگذارند. اینها همچویه باشند. و معاذن بیشتر

از آنها میگذارند. اینها همچویه باشند. و معاذن بیشتر

از آنها میگذارند. اینها همچویه باشند. و معاذن بیشتر

از آنها میگذارند. اینها همچویه باشند. و معاذن بیشتر

از آنها میگذارند. اینها همچویه باشند. و معاذن بیشتر

از آنها میگذارند. اینها همچویه باشند. و معاذن بیشتر

از آنها میگذارند. اینها همچویه باشند. و معاذن بیشتر

از آنها میگذارند. اینها همچویه باشند. و معاذن بیشتر

از آنها میگذارند. اینها همچویه باشند. و معاذن بیشتر

از آنها میگذارند. اینها همچویه باشند. و معاذن بیشتر

از آنها میگذارند. اینها همچویه باشند. و معاذن بیشتر

از آنها میگذارند. اینها همچویه باشند. و معاذن بیشتر

از آنها میگذارند. اینها همچویه باشند. و معاذن بیشتر

از آنها میگذارند. اینها همچویه باشند. و معاذن بیشتر

از آنها میگذارند. اینها همچویه باشند. و معاذن بیشتر

از آنها میگذارند. اینها همچویه باشند. و معاذن بیشتر

از آنها میگذارند. اینها همچویه باشند. و معاذن بیشتر

از آنها میگذارند. اینها همچویه باشند. و معاذن بیشتر

از آنها میگذارند. اینها همچویه باشند. و معاذن بیشتر

از آنها میگذارند. اینها همچویه باشند. و معاذن بیشتر

از آنها میگذارند. اینها همچویه باشند. و معاذن بیشتر

از آنها میگذارند. اینها همچویه باشند. و معاذن بیشتر

از آنها میگذارند. اینها همچویه باشند. و معاذن بیشتر

از آنها میگذارند. اینها همچویه باشند. و معاذن بیشتر

از آنها میگذارند. اینها همچویه باشند. و معاذن بیشتر

از آنها میگذارند. اینها همچویه باشند. و معاذن بیشتر

از آنها میگذارند. اینها همچویه باشند. و معاذن بیشتر

از آنها میگذارند. اینها همچویه باشند. و معاذن بیشتر



زندگینامه سردار شهید نهضت ملی ایران

نظریه دکتر فاطمی را که ساختنی بهمن بود دستگیر نمود و مورد هشاب
سببید طلوعی مقدم رئیس شهریارانی قرار گرفت زیرا که محاکمه و حکومت اور در
سری تازه برای کودتاگران بود حال آنکه شهادت بهنگام دستگیری می
توانست مأموری را مذکور بدارد! بهین دلیل توطیه ای برای جان
و پیش از محاکمه ریخته شد که نافرجام ماند.

رکن فاطمی نه ماه در رشرابط سخت و تواندرسای زندان بسرد و در
تمام آن دوران سیاه بر رفم جسم بهمار و دردهای بیرون از طاقت روحیه ای

قوی و تسلیم نایاب بر داشت.
پیشواز از تهیف ملو و پیشواز بزرگ آن با گذشتم یاد می کرد و شهادت
را بجان در این راه مقدس گذاشت می داشت سرانجام محاکمات فرمایشی
در راداگاه های بار بیماری او اند و دفاع علیات او را به این طنجه ای علیه
ناظم برای آخرین بار بیماری او را درسته نظری و نیز رسایه سرنیزه آغاز گردید. قلم جاد و شیش
کوکد تاگران بدل گرد. راد مردانه ایسی که آنژوره های سیاه پنجه درینجه روی
استنداد ار اندکه و زندان و نشکجه و مرگ دریاب را بهان تزلزل نایاب رسان
نایاچیز و زیون گردیده بود اورا آن دلار و را که مرگ را برخیانت به نهضت -
ملو و پیشواز بزرگ آن ترجیح مدار بیار می آورند.
بیار می آورند اورا که در آخرین روزها از تعامل رعی زندگی مدد می
گرفت تا غریب برآورد :
هرگز دل ما رخصم دریم نشد
دریم زاصایان دریم نشد
ای جان بقدای اتنک پیش دشمن
تسالم نمود جان و تسلیم نشد.
وسرانجام رسید روز محدود شهادت.
در طاریک روش روز نوزد هم آبانه ۳۲۱ اول اکه از تب من سوخت
و توان بایای خود بیدان شهادت رفتند را تداشت بر روی برازنکه اداری
نهادند و به قتلگاه بردند.
فریاد رسای آن بار وفادار مصدق که عاشقانه ایران را می ستورد
و دشمنان این سرزمین را کهنه تزویه خشم میزند نغير گله های جوخته
اعدام برای همهیه در گلو خاموش ساخت.
ولی چهره آن روس تزاده صمیم، آن روزنامه نگار شجاع آن سراساز
نهضت ملو، آن بار استخیرنایاب پیشوا جاوده ایه رسینه تاریخ ایران نقش
بست و تربیت زیارتکه رندان از آداده این مردم گردید و کل های همهیه
پریشان مجاز و حق گهانی که مدد از ترتیت پاکن می گزند کواه ایان
مد عاست.

نهضت ملی ایران

در انتخابات روزه هند هم مجلس شورای ملن دکتر فاطمی کاندید ای
نمایندگی مجلس شورای ملن گردید و ازسو مردم تهران به مجلس راه یافت.
در مهرماه سال ۱۳۲۱ پس از برآورده بیانیه همیت وزارت امور خارجه به او سپرمه
شد و دستور پیشوای ملت ایران را همیت قطع روابط سیاسی ایران و انگلیس را
را در روزه سی بهمنه همانسال تصدی کرد، واژه همین جا کینه عین نسبت
به حدیق وابن بازار و آرش در دل تابع نشینان پدید آمد.
دکتر فاطمی در دویان درخشان نهضت ویزیری دکتر حدق و سالهای
شکوفای نهضت ملن که من توان از اسلامهای واقعی زندگی ملن و انسانی
ایرانیانش نامید پیوسته کثار پیشوای بود و میله های وابستان سیاستهای
خارجی پرای منحروف ساختن او هرگز بجا نیافرید و حق و عدالت های
رنگاریگشان نیز لحظه ای تردید در اراده خدمت به مراد و همراه در راه وجود
نماید.
در گودتای تأثیرگرام نیمه شب بیست و پنجم مرداد و سیله گار شاهنشاهی
بنحو اهانت آمیزی بازداشت شد و بن سحرگاهان پیروزه زاده به خانه
لعنی شا را گشت و پصر روز بیست و ششم مرداد پریشانگ برگشته که بد عوت فراکسیون
نهضت ملن و حزبها طرفدار حدق شکلی کرد و بود شرکت کرد و سخنرانی
معروف خود را ابرار نمود. صدای رسای او از آن روزهای پرآشوب که
دشمن مژوازه می کوشید از تمام تبروی اهرمین خود برای سقوط دولت
ملی کلک گردید و از اجرای هیچ دسیسه شوم و ایران بین اراده هنرمندان
و دستهای آنلود استعمار کهنه و تو سیاه و سرخ برهم زن نظم زندگی مسرم
شد بود هنوز رفقاء بپهارتان باقیست.
ولی سرانجام کاروان حرام ایمان از راه رسید و بینما آغاز گردید.
بیست و هشتم مرداد خونین و قم الود، سیاه هر چند برمرزو سیم
رها شده ما چون ملایم آسمانی فرورد آمد و دلت طن سقوط کرد و مشاهد ایران
و تاریخ به زندان کشیده شدند و چنین طا که من رفت تا ارسلطه استعمار
و استبداد برای همیشه رهایی باید بدام دیگنا توری و ایسته به بیگانه
افتخار.
کوشن گما عنان کودتا برای دستگیری رکن فاطمی وزیر امور خارجه
صدق بجا نیافرید و بهر قدم چایزه کلانی که برای یابنده ای ازسو
حکومت کودتا اطلاع شده بود، طا همها در رخانه مردم خاری این شهر حالت
مشخص بصرپرورد.
روز ششم اسفند ۱۳۲۵ سرگرد مولوی مأمور اجراییات فرمانداری

۰۰ سالگرد بمناسبت
ارض خود را
سید حسین فاطمی در امر معا
سیار قاطع بود و از همان آغاز ک
انکشت بر نظمی اصلی درد ایر
نهاد. امیریارلیسم خارجی و در
یملوی توکر داخلی آنها. این فاط
بود که بیشهاد ملی شدن صنایع نف
را داد. این فاطمی بود که در راه
وزارت خارجه و بدستور بیسوای بهم
مرحوم دکتر محمد مصدق، با بست
سفارتخانه انگلیس به بیش از یک ق
اسارت ذلتبار نظمی خانم کرد
و این باز همو بود که بیس از سک
کودنای ۲۵ مرداد ۱۳۲۴ نصیره
محسنین فرار شاه محلوع از ایران
درهای دریار خائن یملوی را مه
موم کرد. اما افسوس که ارسن قر
ایران، ارتقی که بdest سلطه
خارجی ایجاد شده و پرورش یافته
بود، ارسن قاتل شهدای سی ام ب
باز خیانت کرد و یکمک آمریکا
کودنای ننگیں ۲۸ مرداد ساه محل
را به قدرت بازگرداند.
اما درس فاطمی بسیار بزرگتر
آنچه است که در میدان سیاست
سلحسوری آموخت. فاطمی یه نس
هزار کشور درس اخلاق می اموز
اخلاق مبارزه. وقتی دشمن از معا
دوباره مابین شد، به همان شیوه

چرا و چگونه دکتر سید حسین فاطمی مدیر و مؤسس باخترا امروز شهید شد؟



بمناسبت سالروز شهادت دکتر حسین فاطمی شم نخست ملی ایران

مکتبه ملی ایران
صدری آن بیان حالت گفته: احمد برگواش بعد که
الهوت اولین من رویه العار. صدّق برگواش
مسواشران برگواش راهوار نگ و عار است.

امم‌های وی به

نخواهد رفته. درستان ایران پایدگله کنند که بیک ایران مستقبل
یک ایران قویی باشند. درستان ایران سعادت تند بوجود باید. مایدات نفت باید هر سرف
مردم بررهنه و لخت و گرسنه جنوب ایران و راههای اطراف شاهزاده عظیم
و ساکنین بوشهر و بندر عباس و چابهار و گرگان بنشود. این زیم ناسد سال
مردم نیست و هیچگاه متنق بسایهای خلائق کشور بعنی مردم کوچه و سازار
نیوده است. رکتر ناطقی نمیدانست که با چه مارخشش خطوط خالی در میاره
است، او نمیدانست که شاه و زاده و پلا و سایر دزدان از وحشانه ترین
اصله دند بشری هم شرم نداده و حاضرند اورا باحال تب بخاک و خون
پکشانند. شاه نصیر میکند که با این اعماق جبارانه متواند در جلو سمل
طوفان نهضت طی ایران سدی ایجاد کند غافل از اینکه هر قدر
خون دکتر حسین فاطمی شهید، هزاران نهال آزادی خواهد آورد. شاه
ماهوریت دارد که ایران را بگیرستانی تبدیل کرده و از نظر کارگههای
نفس، برادران و خواهران لا شکوش، در بین این مطلق و بقول مجله تایم
زبان لخت و بررهنه پارس و رم خاطر طوکانه راغاد و خرسند سازند. شاه
طلبه برگزینه خوبی و دشمنی با دکتر ناطقی نمیتواند شفیع با اینها میکند. ویدانست که
شجاعت پس باک اینها زیم منحوس را از بین برخواهد کند. او نکر
میکرد که با گشتن این مید شریف پایه زیم را بحکم خواهد کرد غافل
از اینکه سلطنت که پایه اش بر روی خون باکترین افراد ایران قرار گرفته
محکوم به نیستن و نایابی است و دیری زود مردم کشور ایران را از ایستاد
کسانیکه وجودشان صاره الک و هروین و جرس و نکه است و هرای ادامه
زیم خود نمی بدمت ترین و فجیع ترین خیانتها را دارد باک خواهد کرد.
شاه چندین مرتبه در حداد قتل مرحوم دکتر فاطمی برآید. دفعه
اول موقعی که اورا شیرزدن، دفعه دوم شیمان بی میستنی از دست
بیشترین رفت و در حالیکه دکتر ناطقی اسپرست بدختار جلادین شرمند
بود هدف قربت خنجر و چاقو قرار گرفت. وقتیکه خدا وند هتمال در هر
دو موقع دکتر فاطمی را حفظ کرد. بالاخره شاه روزه شنبه هیجدهم آبان
ساعت هفت بعد از طهر سرتیپ ایادی طبیب منحوس خود را با غاصر سرتیپ
نجف راه و سرهنگ تدبیر بمالین دکتر ناطقی فرموداد و آنها دست
دار که صورت مجلس تنظیم کرد و تصدیق نمایند که دکتر ناطقی سالم است.
صحیح همانروز پرگان قانون دادگستری صرحاً توافق بودند که دکتر
ناطقی منسخه ساخت و درجه تدبیر و درجه درجه است اطبای دنیار
باکمال و قاتحت گواهی نمودند که میدانست اورا خواهد کشته
مانعنس ندارد. مرحوم دکتر ناطقی که میدانست اورا خواهد کشته
ازد زیمان خود تقاضا نمود که پگاز ازد برای آخرین بار طفل دوستی
خود را بینند و لی بختار بدنهاد در جواب گفته بود شاه اعدام نخواهد
شد اطیخضرت هیچگاه اجازه نخواهد داد که مردمی کشته شود مقصر
نموده اند شاه را بشهرهای در درست تبعید نمایند.. تا اینکه
ساعت چهار بعد از زیمه شب چهار رشته نور هم آبتابه دهه ای از افسران
که در حداد سی نفر بودند و دنیا پاپیش آنها آزاده مجنون ساده
و بختار جاسوس پست نظرت و ناطقی سگر حرکت هیکرند نه از ایشانه
زرهی بطرف آقای دکتر ناطقی آمدند. پس از ورود باطاطی آمروده

آرزوی شنید نهست خود را بست و سرمه
سنه باد از آن که هادل این پیش از زمانه نموده
گرد و آن کس نمیشد راه طلن و کر تحریخ ناطقی است مادر از دی
دیگر خوب ای امای زمانه بیشتر خود را داد عزمه ای
حده بی خاره میزد که آن با آن حق که از همتر فروخته خواهد
هر در قدم دست همکاری با مانع خوب حقیقت را درود کند از
آن بزرگوار در بیشه دکمه هر دوسر
مقاومت مردم وطن پرسست و مقلا شمشید سعید جلوی نقشه شما
را گرفت ولی شاه همچنانه این پیش است را خواهش نمود که موقعیکه دکتر غاظه
و پیر خارجه بود شاه پر حسب خود و مادرات جملی خود که همیشه کوته
دارد رجال مملکت را بجان هم بهاند از هندین مرته با پیشنهاد گردید
چرا خودت نخست وزیر نمیشوی؟ من حاضر فرمان نخست و پیر را بد
تو خادار گردد دست دکتر صدق را کوتاه کنم چو با دکتر غاظه به د
این بود اولاً من چیزی این ذرا اگر را خواهید داشت
صدق اطلاع خواهم داد و ثانیاً شما باید بدیند که بجز تحقیق انتبه
من در زندگانی اینست که نیز دست دکتر صدق و دیرکتب پیشوای طبل ایران
خدمت با ایران نموده حتی جان خود را در این راه مقدس قدر انجام داد
ناظمی خسرو نفاع خود در دادگاه فخر قاتونی نظایر به عنین مطلب اغفار
گرد همان دادگاهی که منی نزد وجاسوس روس انگلیسها را
آن بود مرعوم دکتر غاظه سند خانست و جاسوس منی را بد
آورده و اواز رسایست شهریاران منفصل کرد و مخفو است تسلیم دادگاه هست
کند که شاه منی را از ایران بخراج فرستاد و بعد از کوتاهی دادگاه
از دیدی منی نهاد لندن بایران برگشت ناطقی در دادگاه
چنین گفت اینکه دادستان ارشت در ادعائناه سرا باشد
خود اظهار داشته که حسین ناظمی شاه بشهاده قبل از همیشگی باری
آنقدر هرورد اطمینان و اعتماد اطمینان هرورد شاه بود که درین یک جلسه سه ساعت
و قسم اطمینان هرورد اصرار داشته است که فرمان نخست و پیری را بنام اولاد رشود
در این چا باید عرض کنم که دادستان ارشت چندین اشتباہ کرد.

بیانیه شورای امنیت

اقدسیه و سارعه تحمیل خود را از امده دارد و بهم ادین گرفت، سپس راه تهران شد و در تهران همان تحمیل داشته ب شهر مطالعه های مهندسی و سیاست داد و پیوسته از آن روز هم گماشت و سرانجام در سال ۱۳۲۲ در انتشار روزنامه با خبر که صاحب امتیاز آن برادر بزرگ بود شرکت کرد.

سازهای انتشار فاضل از اسال ۱۳۲۲ شدت پافت و هنگامیکه روسیه

نمایشگاه ای انتشار نفت شمال را کردند "برای آغازی کافتا را زده ترجمه کنید" عنوان مقاله ای جنجالی بود که دکتر فاطمی را به زندان و وزارت امنیت باخترا نمود و توافق کشانید. پس از آزادی در توطئه چهادی آذربایجان مقاله دیگری نیز عنوان "آغازی سارچیک اینجا از ایران نیست" انتشار داد وارد پیگر باقایانه سفیر شوروی در های زندان برو او گشوده شد.

نگاهی به سلسله مقاله های دکتر فاطمی در سالهای سیاه ۱۳۲۳-۱۳۲۵ این روزنامه نگارشگاه از حوار است آنروز ایران است.

در این زمان برای از امده تحمیل به اروپا رفت و طی از آنجا هیئت شورانگیز برای روزنامه من فرستاد. با تکیه به اندونخته تجهیزه هیئت کشته و چهره ای تو و تصمیم خلل نایابی برای ایران بازگشت و انتشار "باخترا امروز" روزنامه اول سال ۱۳۲۸ بهش از پیش گرفته خدمت هیئت بیان بلار و خود بیست.

در روزنامه دوم سال ۱۳۲۸ جمهیه ملی به رهبری دکتر مصدق شکر شد و دکتر حسین فاطمی به آن پیوست و روزنامه باقایانه تا زمان افلاک این سازمان بزرگ سیاسی گردید.

روز دهم اردیبهشت ماه سال ۱۳۲۹ دکتر مصدق را زمام امور کرد و را بر عهده گرفت و دکتر فاطمی را به معاونت نخست و وزیر برگزید.

روز ششم آبان ماه همان سال دکتر فاطمی به عنوان سخنواری همراه بازدید و سال کشکش شیخ کمیکه سقوط کاربرده مصدق را شنیدم چند ساعت راحت خواهید بود.

روز دهم زندگانی سیاسی خود با خود گرفت و بیان خود که برای هرگونه خیانت خاص بودند استعداد چستند. شاه شخصا از ایران مصدق مخصوص شهید سعید دکتر فاطمی رعی و ترس فوق العاده ای را شد و دکتر فاطمی معتقد بود در رسایست خارجی ما همه ایران هستیم و بدین توجه بلطف سکویی واشنگتن باید آنچه را که متعاقب ایران است در نظر گرفت و این توه ای که بخواهد حاکمیت واستقلال ایران را تهدید کند چنین کرد. در رسایست را غلی او معتقد بود که دربار مرکز تلق و چاپلوس و دیسیس بر طبقه ای ایران است.

چنین نوشت: "شاه باید بداند که مسلط ارت پدر او نیسته که آنرا بکسر پانگلیسیها بفروشد و روز بیکر بروسمها و دهد بد ایران احتجاج" سفارت ایرانی ندارد اگر ارتش شانه لازم دارد با احتجاج به هوابهای دارد چرا نیخد. چرا بود جه سکنی در بار و وزارت چند را صرف تجهیز را زمان نمیکند این حقوق که شاه باین تصریح از جلوی روسها مثل شغال غرا کرده و در جنوب روز استعوان فرماده هان شمال از جلوی روسها شد و آنها مهد و میثاق بست که اول ایران را در فرار اجراء کرده و زبان و فرزندان قشقایی هست که اول ایران شما سیماز ایرانی بهترین سریاز دنیاست، انسان جوان ماطن برسی و قیمت شد و دیده شد هستند مکرر نساد هشت قرای برسوار دزد همچنان که بنام سهده و سرلشکر و سرتیپ ما همچندین هزار تومان از کیسه طلت حقوق گرفته و دست از کاه و جوسرا زبانه مید و زند. شاه اگر بخواهد ادراش اصلاح کند دم ایم دزدان چکمه پوش را گرفته و از اولاد جنگ های بین ایل و دیگر افسر جنگی بادار رجه سرهنگی در راس سنا در ارتش فرار دهد... ارتش کوئی که نصف سیماز آن بقیه کش زبان افسران بوده و نصف دیگر برای کفت مردان وطن برسی تزمین میشنوند چون فرار از مقابل دشمن هنری گذاشتند و خواهند داشت، خبر طبل ایران شانه و قوب و هوایها نیخواهد و اگر همچنان میخواهد بایان ترتیب تخت و تاج را حفظ کند زمین صور باطل زمی خواهد میخواست.

چرا و چگونه دکتر

پیلوی نوکر داخلی آشنا. این فاطم بود که پیشنهاد ملی شدن صنایع نه را داد. این فاطمی بود که در راه ووارت خارج و بدستور پیشوای سمه عرجوم دکتر محمد مصدق، با پست سفارتخانه انگلیس به پیش از یک ف اسارت دلتبار نقطه‌ی خاتم کردند و این باز همو بود که پس از سکونتی ۲۵ مرداد ۱۳۴۲ نصیره نحسین فرار ساه مخلوع از ایران در راهی دربار حاشی پهلوی را مه موم کرد. اما افسوس که ارسن قبر ایران، ارتقی که بدست سلطه‌ی خارجی ایجاد شده و بروز یافته بود، ارتش قاتل شهدای سی ام بهار خیانت کرد و بکمک آمریکا ب کودتای ننگین ۲۸ مرداد ساه مخد را به قدرت بازگرداند.

اما درس فاطمی بسیار بزرگتر آنچه است که در میدان سیاست سلحشوری آموخت. فاطمی به نسبت مبارز کشور درس اخلاق می‌آورد اخلاق مبارزه. وقتی دشمن از مبارزه باروی مایوس شد، به همان شیوه همیشگی دست یازدید. با استفاده ضعف‌های مردمان و مجمله بیماریه کش شخصیتی، سعی در تفرقه صفوف جنگی تمود و حد افسوس این امر، موفق شد. با وعده‌ی مقنعت وی خودهای شخصی برانگیخت. دست بیشتر کردن به نهضت، دوسته‌کار محدودی حاضره بین، در رهی آزمان القاء شیوه نمود و آنان را بخورد های شخصی برانگیخت. دست این عامل از هم یاسید و کار نهضت به ضعف و شکست گرایید. ولی قادمی هسته‌ی رهبری نهضت از جمله بدهی این عامل از هم یاسید و کار نهضت این قادمی را خود بود.

امروز، در نحسین کوهستان، استواری آزادی، باد او را کرامی میداری برای اطلاع سل جوان کشور، نس انتقلاب اسلامی، زندگنامه سر شهید نهضت طی را به نقل از کمی مجموعه مقالات فاطمی درج میکنیم.

از نامه‌های وی به آیت‌الله زنجانی

قریابت شوم، با تجدید ارادت و تقدیم ارادت قلبی هیچ بیانی قادر به تشکیل مرا حم بند وار نیست، بدیش تا سا گرفتار بودم هنوز در بیچ و خدا صلاحیت هستم، ولی بیرون حال گ میکنم تا پنجه‌به عصر کارنا، تمام گتند، چون هزار مرتبه از مرداد اولی بدتر است. بیرون صورت می‌شود بخواهد خدا بزرگ و به ائمه اطراف روی می‌آوریم.

قریابت شوم، پس از تقدیم ارادت تجدید سلام حریان کارها از قراری که بعرضتان رسیده و این حض آخوند زهر خود را پا شنیدند ولی حد بزرگوار هر حریان در این موضع یک ساعت از صدور رای دست دستگذرد یکدزه ناراحت نیستم، ز اگر آن افتخار را پیدا کنم که در وطن این سیمه حان را بگدارم در دوره مصروف حقیقی خودش صورت شده است.

حالا منتظریم بمینیم بازی تج نظر به کجا میکشد، قطعاً یک چند رایی در آنچه هم صادر خواهند و بیشتر از سابق خودشان را مفتخرا و رسخ خواهند گرد. در حواسی از حضرت عالی دارم اینست که خواهش را اسلی بدهید که شکنی ساخت زیرا آن بدیخت خیلی نارا خواهد بود و از او هم بخواهید خواهود امام را از نگرانی بیرون از زیرا آنها نمیدانند که چه وضعی و نات و تحمل شنیدن این خبر ندارند، خدمت رفقا سلام دارم مراحم حنای عالی کمال امتنان را تقدیم کنم. مخلص حنای عالی وارد تمند

پیش فتهای مادی برای مردم فه تنها آرامش نیاورده، بلکه زندگی بشر را بیشتر تباہ کرده است

سؤال - شما کوش میکنید جامعه ای برقرار کنید که نموده ارزشیابی را درصد - اسلام دیده ایم. در زمان پیغمبر اسلام در مدینه و جامعه کوہ در زمان حضرت امام

دیده شده است، شما تصور میکنید که این ارزشها که در آن جماعت بوده قابل -

انطهاب با دنیای جدید فرن بیست هست با خیر و چگونه؟....

امام خمینی در پاسخ گفتند: سیم الله الرحمن الرحيم

ارزشها در عالم در دو قسم است یکی قسم ارزشیابی معنوی ارقاب ارزش توحید و

جهان در پیشوازی مذهبی و ارزشیابی اجتماعی - حکومت عدل و رفشار

عادلانه حکومتها و سطع عدالت اجتماعی درین ملتها و امثال آنها

کدر صدر اسلام یا قبل اسلام ازان آن و وقتی که انسان معمول شدن وجود شده است

قابل تغییر نیست عدالت معنی نیست که تغییر بکند یکوقت صحیح و زمانی

غیر صحیح است، ارزشیابی معنوی ارزشیابی هستند، که قبل از صفت -

شدن کشورها. من و بعد در آن نیز وجود داشته و دارد عدالت ارثاطی یا میان

امور ندارد قسم دیگر اموری است مادی که بمقتضای زمان فرق میکند در زمان

سابق یک طور بوده است و بعد رو به ترقی رفته است تا پر محله کوئی رسیده است

و بعد از این هم بالاتر خواهد رفت، آج چه میزان حکومت و مربوط به اجتماع و

سیاست است ارزشیابی معنوی است.

من برو این کشته شده که این اقسام من در روزات خارجه بدست

پیشوای نیفست طی سفر و قویلخواهه ای انتکستان را نیکنید راهی را

بود و با نیکت پیشوای ما سرو شست جیمه طی رسانی شد و میتواند که در آن را

که در خارج از طبقه ای انتکستان را بازسته باشند این طبقه ای از

نیست و خوب دارم که خون من درین همراه برای خواران موان ایرانی شده

و آنها با تأییدات تمام تاریخ اتفاق این ملت تصدیق را از اعتماد

انتکستان و پایادی نایاک او خواهند گرفت. آقایان انسان ماسه مال در این

کهور مکویت کردیم میکنند اینکنون دورا نشسته برا اذکر ما نیاز دارد

بودم برای راکنی کنم ما برای آن قام کردیم که در آن را مدد کرد و بست

هایی را از کهور کوهه بکم و مقدار بودم اگر درگاه بخی از همچنان

ما در این اشاره احباب تخت نوز آنها فرار گرفته اند و هنوز آنها را چهار

کردند که مکنند اینها که عاقبت گزگز را خواهند داشت، آقایان انسان ماسه مال را شرک

خواهند کنند ولی اینها که عاقبت گزگز را خواهند داشت، آقایان انسان ماسه مال در این

آقایان از اینه که داشتند میتوانند شاه ایندر ترس و کوچک نداشتند

وی وطن باشد که درست خود را بخون ای ایرانی همچوں بنای سرمهزی را

خطرهای ای انتکستان آنود نماید. او از اینکنندن جه تجیه ای خواهند

شاید دیگر میتوانند لذت برای اوراد من از این شاهانه سراغ داشته باشد، حکومتی

هرم "ولی ام" که حالا به سلطان را رئیس همپرورد تعبیرش میکنند در مقابل -

قاضیان را یائین ترین فردی که در آنجا زندگی میکند علی السوا بآشید: در حکومت

صدر ای اقایون تحلف نمیکرد. حکومت در این دوزمان حکومت قانون بوده است و

شاید دیگر هیچ وقت دنیا حاکمیت قانون را بدانه سراغ داشته باشد، حکومتی

طبیعی کهند مرگی که بازت توان باشد ظیر مرگ رفاح را در زمانهای

ویگی که در راه شرافت و انتقام بدهست آنیظیر مرگ رفاح من. من خدای راهگر

میکنم که در راه هزاره با انسان شهید میشوند و خواهند شد: این راه را در راهگاه کسر میتوانند

که میکوشی از اینها باید از این شهادت نهاد که در این میتوانند

که میکوشی از اینها باید از این شهادت نهاد که در این میتوانند

که میکوشی از اینها باید از این شهادت نهاد که در این میتوانند

که میکوشی از اینها باید از این شهادت نهاد که در این میتوانند

که میکوشی از اینها باید از این شهادت نهاد که در این میتوانند

که میکوشی از اینها باید از این شهادت نهاد که در این میتوانند

که میکوشی از اینها باید از این شهادت نهاد که در این میتوانند

که میکوشی از اینها باید از این شهادت نهاد که در این میتوانند

که میکوشی از اینها باید از این شهادت نهاد که در این میتوانند

که میکوشی از اینها باید از این شهادت نهاد که در این میتوانند

که میکوشی از اینها باید از این شهادت نهاد که در این میتوانند

که میکوشی از اینها باید از این شهادت نهاد که در این میتوانند

که میکوشی از اینها باید از این شهادت نهاد که در این میتوانند

که میکوشی از اینها باید از این شهادت نهاد که در این میتوانند

که میکوشی از اینها باید از این شهادت نهاد که در این میتوانند

که میکوشی از اینها باید از این شهادت نهاد که در این میتوانند

که میکوشی از اینها باید از این شهادت نهاد که در این میتوانند

که میکوشی از اینها باید از این شهادت نهاد که در این میتوانند

که میکوشی از اینها باید از این شهادت نهاد که در این میتوانند

که میکوشی از اینها باید از این شهادت نهاد که در این میتوانند

که میکوشی از اینها باید از این شهادت نهاد که در این میتوانند

که میکوشی از اینها باید از این شهادت نهاد که در این میتوانند

که میکوشی از اینها باید از این شهادت نهاد که در این میتوانند

که میکوشی از اینها باید از این شهادت نهاد که در این میتوانند

که میکوشی از اینها باید از این شهادت نهاد که در این میتوانند

که میکوشی از اینها باید از این شهادت نهاد که در این میتوانند

که میکوشی از اینها باید از این شهادت نهاد که در این میتوانند

که میکوشی از اینها باید از این شهادت نهاد که در این میتوانند

که میکوشی از اینها باید از این شهادت نهاد که در این میتوانند

که میکوشی از اینها باید از این شهادت نهاد که در این میتوانند

که میکوشی از اینها باید از این شهادت نهاد که در این میتوانند

که میکوشی از اینها باید از این شهادت نهاد که در این میتوانند

که میکوشی از اینها باید از این شهادت نهاد که در این میتوانند

که میکوشی از اینها باید از این شهادت نهاد که در این میتوانند

که میکوشی از اینها باید از این شهادت نهاد که در این میتوانند

که میکوشی از اینها باید از این شهادت نهاد که در این میتوانند

که میکوشی از اینها باید از این شهادت نهاد که در این میتوانند

که میکوشی از اینها باید از این شهادت نهاد که در این میتوانند

که میکوشی از اینها باید از این شهادت نهاد که در این میتوانند

که میکوشی از اینها باید از این شهادت نهاد که در این میتوانند

که میکوشی از اینها باید از این شهادت نهاد که در این میتوانند

که میکوشی از اینها باید از این شهادت نهاد که در این میتوانند

که میکوشی از اینها باید از این شهادت نهاد که در این میتوانند

که میکوشی از اینها باید از این شهادت نهاد که در این میتوانند

که میکوشی از اینها باید از این شهادت نهاد که در این میتوانند

که میکوشی از اینها باید از این شهادت نهاد که در این میتوانند

که میکوشی از اینها باید از این شهادت نهاد که در این میتوانند

که میکوشی از اینها باید از این شهادت نهاد که در این میتوانند

که میکوشی از اینها باید از این شهادت نهاد که در این میتوانند

که میکوشی از اینها باید از این شهادت نهاد که در این میتوانند

که میکوشی از اینها باید از این شهادت نهاد که در این میتوانند

که میکوشی از اینها باید از این شهادت نهاد که در این میتوانند

که میکوشی از اینها باید از این شهادت نهاد که در این میتوانند

که میکوشی از اینها باید از این شهادت نهاد که در این میتوانند

که میکوشی از اینها باید از این شهادت نهاد که در این میتوانند

که میکوشی از اینها باید از این شهادت نهاد که در این میتوانند

که میکوشی از اینها باید از این شهادت نهاد که در این میتوانند

که میکوشی از اینها باید از این شهادت نهاد که در این میتوانند

که میکوشی از اینها باید از این شهادت نهاد که در این میتوانند

که میکوشی از اینها باید از این شهادت نهاد که در این میتوانند

که میکوشی از اینها باید از این شهادت نهاد که در این میتوانند

که میکوشی از اینها باید از این شهادت نهاد که در این میتوانند

که میکوشی از اینها باید از این شهادت نهاد که در این میتوانند

که میکوشی از اینها باید از این شهادت نهاد که در این میتوانند

که میکوشی از اینها باید از این شهادت نهاد که در این میتوانند

که میکوشی از اینها باید از این شهادت نهاد که در این میتوانند

که میکوشی از اینها باید از این شهادت نهاد که

